

## زنده باد اول مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر



اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر، روز جشن جهانی طبقه کارگر، روز اعتراض به ماکمیت سرمایه، روز اعلام کيفرخواست طبقه کارگر با شعار کارگران جهان متحد بشوید! گرامی بداریم.

تشکیلات قاره کشور مذب کمکتیست در مارش سازمانهای کارگری در کلن، استکهلم، کونترک، لندن، اسلو، برکن، کپنهاگ شرکت خواهد کرد و همه انسانیهای آزادیخواه را به شرکت در این روز فرا میخواند!

## اگر میخواهید از آب کره

### بگیرید!

### مصطفی اسدپور

ثروت، ترقی، رویا، سوکسه، قدرت، پیروزی ... با باز کردن لای درب سالن سیلابی از عبارات فریبده شما را در خود میبلعد. در چند سال اخیر بازار بسیار بزرگ و پر مشتری برای بنگاهها و متخصصین اندرزه‌های ویژه موفقیت در بازار و تجارت شکل گرفته است. تعداد کتابها و بنگاههای مشاورتی از شمار خارج است. در میان علاقمندان از زن و مرد، معمم و مکلا و افشار مختلف دیده میشوند؛ اما مهمترین نکته اینستکه جایی برای خزعبلاتی از نوع دعا و نذر و صدقه و طلب بخشایش الهی وجود ندارند. اینجا نه محلی برای پرسه زدن در عالم لاپالای خیالات، بلکه حریم انسانیهای (بقول خودشان) با جریزه و پیگیری است که رویاهای خود را جدی میگیرند. در میان مدرسین و سخنرانان گوش تا گوش از اقتصاد دانان و سرمشقه‌های بکارگیری موفق نسخه‌های مورد بحث نشسته اند. اینها قوانین و اکتورهای بازار تولید و تجارت در ایران را فوت آبنند. اینها در یک کلام کلید داران راه و چاه جاه طلبی مالی اند و حرف دهان خود را میفهمند.

سرمایه داری همواره خود را بعنوان بهترین نظام برای رشد و تعالی فردی قلمداد کرده است. در همه جای دنیای سرمایه داری جایگاه اجتماعی افراد با توانایی و لیاقتهای فردی ترجمه شده است. طبقات حنف میگردد، سرمایه دار کسی است که موقعیت ممتاز خویش را به توانایی و تدبیر خود و آبا و اجدادش مدیون است، و کارگر کسی است که خود مقصر سرنوشتی است که آگاهانه برای خود و فرزندانش رقم زده است.

## من کسی را نمی کشم!



مظفر محمدی

جامعه ایران در روز و هفته های اخیر شاهد صحنه های هیجان انگیز غلبه ی انسانیت بر بربریت اعدام بود. جلوگیری از اعدام کسانی که طوق "قاتل" برگردن داشتند، توسط پدران و مادران و خانواده هایی که خانواده "مقتول" نامیده می شوند، تنها یک عمل انسانی قابل ستایش نیست، بلکه انزجار از اعدام انسان بهر بهانه است. در جریان این عمل انسانی هیچ دادگاهی و هیچ قاضی و دادستانی وجود نداشت. از هیچ تئوری جرم شناسی و غیره خبری نبود. این عمل انسانی را بخشش نامیدن کاستن از عظمت حرمت انسان و نفرت از کشتن انسان است. این عمل نفرت علیه اعدام و حکم لغو اعدام بصورت عملی و شجاعانه و شرافتمندانه است.

صفحه ۴

## حمله به زندانیان اوین و نوحه خوانی عاملین آن



خالد حاج محمدی

حمله سازمانیافته و با برنامه واحدهای مختلف ضد شورش جمهوری اسلامی، از مزدوران لباس شخصی تا نیروهای سپاه و قوه قضائیه و یگانهای ویژه، در روز ۲۸ فروردین به بند ۳۵۰ زندان اوین، علاوه بر انعکاس در رسانه ها، اعتراضاتی را در میان زندانیان و خانواده هایشان دامن زده است. عکس العمل به موقع خانواده زندانیان و اعتراضات آنها در مقابل زندان و دفتر روحانی و مجلس و...، در کنار اعتراضات در زندانهای مختلف جمهوری اسلامی و در دفاع از زندانیان اوین، موجی از نفرت را در جامعه دامن زد. این بار جامعه در ابعاد نسبتاً وسیع گوشه ای هر چند کوچک از چهره و اعمال دستگاه قضایی کشور و زندان و صالحین دولت را با چشمان خود دید. همین حقیقت، سرانجام سران جمهوری اسلامی و مسئولین قضایی و آمران این توحش را مجبور به شکستن سکوت کرد. رسانه های رسمی جمهوری اسلامی تلاش کردند به روال همیشگی ضرب و شتم زندانیان سیاسی در اوین و اقدامات شنیع خود را اخبار کذب نام بگذارند. قوه قضائیه زیر فشار

صفحه ۳

# کارگران جهان متحد شوید



در این نظام سود سرمایه حاصل زرنگی و موقعیت شناسی سرمایه معرفی میشود و پدیده کار، تاوانی است که کارگر تا آخر عمر، نسل اندر نسل با همه خانواده اش، بخاطر تنبلی و کودنی خود میپردازد. بنیاد نظام سرمایه داری بر فردگرایی، تبعیض و کثیفترین خصایص انسانی چه نسبت بخود و چه نسبت به هموعان خود استوار است. از این لحاظ موج متخصصین جدید ایران خود چیزی بیشتر از شعبه های حرفه ای شناخته شده و قدیمی تر از همپالکی های امریکایی و اروپایی خود نیستند. با این فرق کوچک که نوع ایرانی تازه پا گرفته بسیار جری تر، با افاق تر و عجولتر تشریف دارند.

با حضور در هشتاد و یکمین سمینار "موسسه آموزش عالی ثروت آفرینان" در سالن مجلل مرکز همایشهای صدا و سیما، زیر سایه چند صد شرکت کننده مشتاق و سراپا گوش، از میان رگبار عبارتهای پرطمطراق اقتصادی سخنران در جلوی صحنه فراخ و مجهز به تکنیک بالای صدا و نور و اسلایدها؛ کمی طول میکشد تا از حرف حساب سمینار سردر بیاورید. از اینجا ببعد هر چه بیبیشتر دستگیرتان میگردد که مانورهای پرفسور سخنران با عبارتهای "فرآیند مدیریت استراتژیک" و دیالکتیک میان چشم انداز و رسالت ( mission و vision ) و امثال آن چیزی بیشتر از لغت و لعاب در حاشیه یک حقیقت ساده در جامعه ایران نیست. موسسه آموزش عالی ثروت آفرینان یک نمونه بنگاه جدی از یک بازار بزرگ میلیاردری است که در ازا و رودیه معادل نیم میلیون تومان برای هر سمینار به علاقمندان آموزش میدهد که به "رقص عقابها" بیبوندند، چگونه در آن مملکت پولدار بشوند و مهمتر اینکه چگونه ثروتمند بمانند؛ و نباید از قلم انداخت که مدرسین مربوطه اندرز نمیدهند، بلکه زبانشان بیشتر به تشر و سرکوفت شباهت دارد.

همه و بوق و کرناهای شگفتگی خلاقیتها در ایران با همه شعبات و تعبیرها بر یک محور مشترک، بر وجود یک طبقه کارگر ارزان و خاموش استوار است. بنگاههای مورد نظر و موج همراه آن از مافیای درونی حکومت، از آقازاده ها، از رانت خواری و دزدان بورس فاصله دارند. اینجا بحث بر سر تولید و رقابت و افزایش بهره وری سرمایه است، اما یک کلمه در مورد طبقه کارگر گفته نمیشود. اینجا اقتصاد دانانی هستند که ته و توی مدیریت سرمایه از بازاریابی تا کانتکسهای اجتماعی و فرهنگی درونی شرکتها را میشناسند، خوب میدانند که سود از تولید و از کار صورت گرفته در زمین سرد بتونی کارخانه

بدست میاید، اما زبانشان در مورد کارگر که میرسد بیکیاره لالومنی میگردد. در سایتها، کتابها و اجلاس اینها اثری از خمینی و اقتصاد توحیدی و ابراز وفاداری به بقا نظام یافت نمیشود ولی کل موجودیتشان را به جوهره حکومتشان بر علیه طبقه کارگر مبدون هستند. چرا که نه؟ یک خوان نعمت بیهمتا، بیست میلیون کارگر کت بسته در مقابلشان گسترده شده است.

بنام نامی قانون ۹۰ در صد کارگر آن جامعه از هرگونه حفاظ قانونی معاف اعلام شده اند. بنام نامی کارفرما میشود هر تعداد از این کارگران را تحت هر شرایطی بکار کشید، دستمزدشان را نداد، از بالای داربستهای ساختمانی جنازه شان را نقش اسفالت خیابان نمود، در فضای مسموم پتروشیمیها سرطان به رگهایشان تزریق کرد، اعتراض کردند با یک تلفن واحد آماده و دوره دیده سپاه را بجانشان انداخت، و دست آخر فرق نمیکند اگر "پروژه کار آفرینی و پروژه ثروت آفرینی" صرف نکرده؛ کرکره را پایین کشید و رفت. همان قانون امنیت اموالتان را تضمین میکند. بنام قانون ۷۰ درصد کارگران و خانواده هایشان زیر خط فقر ننگه داشته میشوند تا به هر شرایط کاری تن بدهند. تاریخ سرمایه داری همه جا سرشار از نابرابری و استثمار وحشیانه به کارگر و همزمان سخیف ترین روشها برای توجیه وضع موجود بوده است. سی سال اخیر سرمایه و حکومتشان در ایران از "درخشانترین" فصول این تاریخ خواهد ماند. این داستان تازه به "هیجان انگیزترین" قسمتهای خود رسیده است.

بازار بنگاههای ثروت آفرین و کارآفرین در ایران به معنای واقعی کلمه سکه است. چراغانی و فضای مملو از خنده و صمیمیت در رد و بدل تجربیات و روحیه دادن به همدیگر، فضایی بقول خودشان حرفه ای و بی شائبه (اسم رمز برای فضایی فارغ از قران و تکبیر و صلوات ) از مشخصات بارز اجتماعات این بازار است. اینجا از دنیای دیگری در دل آن جامعه سردر میاورید، آشنایی با پرسوناژها، سرگذشت و دلمشغولیهایشان خالی از لطف نیست. به یکباره در عرض دو سه سال چهره های دیگری جلوی صحنه آمده اند، سرمشق بحساب میایند و صندلیهای ردیف اول سازندگان "ایران فردا" را به خود اختصاص میدهند. پدر گچ ایران، سلطان سُس ایران، حاجی ترانسفر، پدرخوانده فولاد، پدر دیزل سنگین، ورشکسته ای که میلیاردی شد و سلسله طولانی از میلیاردرها که در طی همین یکی دو دهه به غولهای تولیدی تبدیل شده اند؛ نمونه هایی از شخصیتهای روز بحساب

میایند. عکس خانوادگی را به روزنامه ها میدهند، با سربلندی سهام و درآمد و پستیهای مدیریت عامل خود را برمیشارند، و با کمال میل در زمینه پرورش کودکان، اینکه باید پولدار باشند یا پولساز هم نقطه نظرانی را یادآوری مینمایند!

قمپزهای مدیریت و خصوصیات فردی (عجالتا مد است که خود را با انیشتن مقایسه میکنند!) این جماعت برای نسل زنده کارگری که با دستهای خود هتل ها و ساختمانهایشان را ساخته اند، کارگرانی که در قعر پرسود ترین معادن دنیا هر روز دهها بار از کام مرگ جسته اند، برای کارگرانی که صنعت پتروشیمی را با دستمزدهای ناچیز در قتلگاهی بنام عسولیه به یک غول تبدیل ساختند و سالها بعد از مسمومیت محیط کار هر روز خون استقراغ میکنند؛ از زبان آرشیو پرونده اتهام کارگرانی که از اوین سر درآورند؛ روایتیهای تکمیلی دیگری دارد. "شم اقتصادی" عنوان یکی از پرفروشترین سمینارهای موسسه آموزش عالی ثروت آفرینان است. شم سود آوری سرمایه حکم میکند که میتوانند به آینده درخشانی در ایران حساب کنند. تحرک موسسات کار آفرینی و ثروت سازی بسیار جدی و واقعی است. اما در این میان بمراتب واقعی تر و جدی تر اینستکه در مورد "آینده درخشان" کسی برای این نابعه های کاردان اقتصادی تره هم خرد نمیکند، ویولون اول این ارکستر در دست دوایر امنیتی رژیم قرار دارد. بیان نامه شکست و پراکندگی طبقه کارگر ایران، ابراز لیاقت دستگاههای سرکوب برای ندوام تعادل قوای موجود است که باد به بیرق اقتصاد دانان انداخته است.

سی سال پیش در روزهای انقلاب و پس از فرار شرکتیهای خارجی، کارگران شرکت نفت در خوزستان با بکارگیری وسایل از کارافتاده قبلی، بخش اکتشاف و حفاری صنعت نفت را بازسازی کردند. خلاقیت و توانایی آن کارگران دنیا را شگفت زده کرد. سندیکیای شرکت کنترل تولید را بتمامی در دستهای خود داشت. دخالت مستقیم کارگران در مراکز صنعتی بزرگ ایران سندی زنده بر توانایی بدون چون و چرای کارگران در گردش تولید بود. شوراهای کارگری در صدد اسکان مردم زحمتکش در صدها ساختمان خالی و صدها قصر بودند. تنها گوشه هایی از این تجربه کافی است هر کس و بیش از هر کس خود طبقه کارگر را متقاعد کند که رشد سرسام آور تکنیک میتواند به رفاه و سعادت مردم هم منجر گردد. از آنروزها تا کنون رشد ثروت و دامنه امکانات در آن جامعه باور نکردنی است، قدرت مولده



# آزادی برابری حکومت کارگری

## حمله به زندانیان

اعتراضات، شخص اول خود را به جلو صحنه فرستاد تا با دهن کجی و در کمال وقاحت کل حقایق زندان اوین را لاپوشانی کند. صادق لاریجانی در اوج بیشرمی، اعمال وحشیانه مزدوران خود در اوین را بازبینی معمولی و قانونی نام گذاشت و همزمان دست به تهدید و عریه کشی های همیشگی علیه "اخلالگران و شایعه سازان" زد.

اما این پروپاگاند و عریه کشیهای لاریجانی نتوانست نه زندانیان و نه خانواده های آنها و نه مردم منتظر از جمهوری اسلامی را مرعوب کند، جمهوری اسلامی نتوانست حمله برنامه ریزی شده به زندانیان اوین را درز بگیرد. معلوم شد حمله اوباش جمهوری اسلامی برنامه ریزی شده و از هراس درز کردن خبرهای زندان به بیرون، تماس زندانیان سیاسی با جامعه و شکستن دیوار سکوت و خفقان حاکم در زندانهای جمهوری اسلامی است. معلوم شد رسیدن صدای اعتراض زندانیان سیاسی به بیرون، حساسیت افکار عمومی مردم آزادیخواه و سازمانهای کارگری و رادیکال در دنیا به وضعیت زندانیان سیاسی، دولت "اعتدال و امید" را هم ترسانده است. معلوم شد علیرغم دیوارهای بلند زندانهای اوین و رجایی شهر و گوهردشت و ... هنوز این صدای اعتراض در مقابل تبلیغات گوشخراش دول غربی و میدیای دست راستی شنونده و حامی بیشتری دارد. و این را دولت "معتدل و خندان" روحانی را خوش نمی آید و تحمل نمیکند.

زمانیکه لاپوشانی بیفایده شد اینبار چهرهای دیگری از همان سیستم به میدان آمدند، از شخص رفسنجانی تا صفی از اصلاح طلبان و حامیان روحانی دست به تلاشی مذبوحانه زدند تا جامعه را در این توهم نگه دارند که آنچه در اوین گذشت کار گروههای خود سر است که قصد خراب کردن چهره دولت اعتدال روحانی را دارند! کسی نیست از جناب رفسنجانی بپرسد که کشتار دهها هزار زندانی سیاسی در زندانهای مختلف جمهوری اسلامی مخصوصا در سالهای ۶۰، ۶۱ و ۶۷ کار کدام گروه خود سر بوده است؟ قتلهای زنجیره ای و حمله به کوی دانشگاه، اعدامهای دوران خلخال بدستور شخص خمینی و ترورهای سازمانیافته دوره آقای رفسنجانی در خارج کشور و صدها جنایت هر روزه در ۳۰ سال گذشته کار کدام دسته و باند خود سر بوده است؟

خانمها و آقایان اصلاح طلب و طرفدار دولت "اعتدال" روحانی کور خوانده اند. جناب روحانی در تمام حیات جمهوری اسلامی در کنار رفسنجانی، خامنه ای، خاتمی، موسوی، احمدی نژاد، خمینی، لاریجانی و لاجوردی و صدها مهره ریزه و درشت دیگر، مسئول کل جنایاتی است که در این جامعه و در ۳۰ سال گذشته علیه بشریت پیش برده اند. علاوه بر این دولت روحانی از روزی که سر کار آمده است بیشترین اعدامها را در جامعه ایران در

۶ ماهه حاکمیت خود در پرورنده دارد. "اعتدال" دولت روحانی برای هم طبقه ایهای خود و برای بورژوازی ایران، تا جایی که به طبقه کارگر و محرومان جامعه برگردد جز سیه روزی و تباهی زندگی آنها، چیزی همراه نداشته است. اما توقع بیش از این از طبقه حاکمه و دولتشان توهمی بیش نیست. لاریجانی حق دارد جنایت و بربریت علیه مخالفین نظام را عین قانون جمهوری اسلامی و امری عادی و طبیعی در این نظام نام بگذارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی

سیاه روی سفید نوشته شده که قتل و شکنجه و جنایت علیه مخالفین نه فقط مجاز که وظیفه ابزارهای سرکوب است. اصلا دادگاه و زندان و پاسدار و شکنجه گر را برای همین درست کرده اند. کشتار زندانیان بر اساس قوانین جمهوری اسلامی از نوع بدخیم آن تا نوع "معتدل و خوشخیم" آن چیزی جز کشتار و شکنجه و ارباب برای مردم شرافتمند و انقلابی در بر ندارد.

اما هرچه است اعتراضات این دوره و مجبور شدن صفی از دشمنان ما، چه در توجیه جنایات اوین و چه در تلاش برای برانگیزش دولت روحانی از زیرضرب، دستاوردی برای مردم متمدن و برای میلیونها انسانی است که سالهاست در سکوت و در زندانهای مخوف شاهد شکنجه و کشتار عزیزان خود هستند. تا همینجا دیگر در اوین هم نمیتوانند در سکوت و در خفا فعالین سیاسی و مخالفان سیاسی خود را کشتار کنند. هر چند وعده های دفتر روحانی به خانواده زندانیان و قول

"تحقیق" در مورد ماجرای اوین، چیزی جز فریب و سردواندن و تلاش برای خاتمه دادن به اعتراض بر حق آنها نیست. اما تا اینجا و در این مورد به سران جمهوری اسلامی فهماندند که مردم نمیپذیرند. حقایق زندان اوین بار دیگر نشان داد که در جامعه ایران با هر توازنی که امروز حاکم است، دو صف در مقابل هم ایستاده اند و هر کدام در انتظار فرصتی هستند که دیگری را کنار بگذارند. در این جدال از طرفی صف حاکمیت و همه کسانی که در حفظ حاکمیت سرمایه از نوع دولتی تا بازار آزاد آن با همه طرفداران و حواشی خود در پوزبسیون و پوزبسیون آن ایستاده اند و در مقابل طبقه کارگر، کمونیستها، آزادیخواهان و مردم متمدن صف بسته اند. اگر صف حاکمین امروز روی پا ایستاده اند و بی توهم نعره میکشند و صف مقابل را با توطئه و فریب و نیرنگ به بازی میگیرند، بر یک حقیقت متکی اند و آنهم بر توهم و سکوت و انتظار در صف کارگر و آزادیخواهی در آن جامعه سرمایه گذاشته اند. اعتراضات این دوره علیه

حمله به زندانیان سیاسی در اوین و تلاش روسای جمهوری اسلامی برای توجیه جنایات نیروهایشان به همه نشان داد که میتوان تعرض آنها را پس زد و میتوان توحش افسار گسیخته آنها را افسار کرد. امروز دولتهای "فخیمه" غربی بدنبال توافقات خود با جمهوری اسلامی، چشم بر هر جنایاتی

فرو بسته اند. آنها همراه رسانه های دستگامی خود چون بی بی سی و ...، همراه سازمانهای حقوق بشری خود و.. در مقابل اعدامهای این دوره و حملات به زندانیان و ادامه تعرضات وسیع به فعالین و رهبران اعتراض کارگری و صف آزادیخواهی، کر و کور شده اند. اعتراض زندانیان اوین و خانواده های آنان، حمایت وسیع زندانیان سیاسی در زندانهای دیگر نه فقط جمهوری اسلامی که کل این صف گندیده ارتجاعی و شرکای جرم سران جمهوری اسلامی را به زانو در آورد.

اما این جدال ادامه دارد. در کنار عوامفریبی دولت روحانی و وعده های سرخرمن آن، سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرده که تماس زندانیان سیاسی با بیرون زندان را تحمل نمیکند. این تهدید را باید جدی گرفت و از حقوق ابتدایی زندانیان سیاسی دفاع کرد و در مقابل تعرض و تحمیل محرومیت و بیحقوقی بیشتر به آنان صفی محکم بست. نباید اجازه داد دیوار سانسور و خفقان را در زندانها محکم کنند. زندانهای جمهوری اسلامی ملو از فعالین کارگری، فعالین حق کودک، مدافعین حق زن و مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بخشی از کار جنبش برابری طلبانه ما است. نباید اجازه داد تعرض جدید جمهوری اسلامی پا بگیرد.



کارگر هر روز مرزهای تازه تری را پشت سر گذاشته است. اما همه این پیشرفتها به مثابه یک کابوس پایان ناپذیر در همه عرصه های زندگی، در کار کودکان، در خود فروشی خواهرانش، در جنگ ناتمامش با فرسودگی جسم خویش، در تلنباری از حسرت و آرزوهای دست نیافتنه ترجمه گشته است. علم بهتر است و با ثروت؟ در تحولات پر تحرک در جامعه ایران کمتر کسی وقت و حوصله تقصص حول فلسفه باقیهای کلیله و دمنه را پیدا میکند. با کار کردن و کار کردن بجایی نمیرسید اینرا صغیر و کبیر آن جامعه میفهمند. بحث بر سر یک راه میان بر ایرانی است که با عناوین "قطار جادویی"، "ده فرمان موفقیت"، "نردبان ترقی" و ... معرفی میگردد؛ همگی این میان برها به تخت سینه طبقه کارگر کوبیده میشوند. در غیاب سندیکای کارگران شرکت نفت و شوراهای کارگری، امروز ایران سرزمین رویاهای گله گشاد است. عجالتا اگر شما هم وسوسه گرفتن کره از آب را در سر دارید میتوانید بخت خود را با کمک وزارت کار در ایران آزمایش کنید؛ سنگ مفت، کارگر مفت! دنیای وارونگی خلاقیت و انسانیت حکم میراند.

## من کسی را نمی کشم

به زنان و مردان جامعه ما بخشیده اند. قربانی اند، بلکه شرایطی است که به جامعه برعکس پیامی است که دولت به جامعه می دهد که اگر دست از پا خطا کنید ما (دولت، دادگاه و پلیس) حق داریم شکنجه ات کنیم، با باتون سرت را بشکافیم، با گلوله سینه ات را سوراخ کنیم و در ملا عام دارت بزینیم. ما (دولت) از تو انتقام می گیریم!

در جمهوری اسلامی اعدام، فقط حربه ای نیست علیه کسانی که جرمی انجام داده اند، بلکه علیه همه کسانی است که با این رژیم و دولت و قوانینش مشکل دارند، آن را نمی خواهند، حرمت انسانی شان را پاس می دارند و رفاه و خوشبختی و آزادی می خواهند و فعال کارگری و اجتماعی و انساندوست و آزادیخواه اند. دولت جمهوری اسلامی انسان های به اصطلاح مجرم را تحت نام قاتل، معتاد، قاچاقچی، دزد و غیره دار می زند تا بگوید طرفدار حق مردم است و حق قصاص را هم به مردم داده است. این سیاست ضد انسانی و ریاکارانه نه بخاطر دفاع از انسانیت در مقابل خشونت، بلکه پوششی است برای اینکه همه اعدام ها و قتل عمدهایش را که روزانه انجام می دهد، توجیه کند. از نظر دولت جمهوری اسلامی، انساندوستی، آزادیخواهی، دفاع از حرمت انسان، دفاع از نان سفره و درخواست مزد و مطالبه ی تشکل و اعتصاب و اعتراض و هرگونه حقخواهی و آزادیخواهی و برابری طلبی خشونت است، مجازات دارد و زندان و شکنجه و اعدام دارد...

در جمهوری اسلامی دزدهای میلیاردری اموال جامعه و قاتلان خاوران ها، قتل های زنجیره ای و قاتلان کارگران خاتون آباد و زندان کهریزک ... مجرم نیستند. قصاص نمی شوند و اعدام نمی شوند. اعدام فقط حربه ی دولت برای ترساندن و ارعاب جامعه است. ممانعت از اعدام توسط مردم آزادیخواه در این روزها، رو کردن دست فریبکارانه دولت در دفاع از حق مردم و حق قصاص برای به دار آویختن انسان ها و اعدام آن ها است. ممانعت از اعدام در این روزها یک بخشش ساده نیست، یک فداکاری شخصی نیست، بلکه یک اقدام انسانی و آزادیخواهانه و پیامی است به جامعه که اعدام قتل عمد است. محکوم و منموم است و باید لغو شود. همین امروز باید لغو شود. در همه جا. طناب های دار را باید برچید.

و پیامی است به طرفداران لغو گام به گام اعدام، که اعدام، جوابی به خشونت طلبی یا خشونت گریزان، نیست. برای تربیت کردن مجرمین نیست. پیامی به جامعه و دولت است که مسببین خشونت و جرم در جامعه ای که انسان ها در درون آن مرتکب جرم می شوند، نه قربانیان - که قاتل و مقتول هر دو

شکی نیست پدر، مادر، همسر و خانواده کسانی که بهر دلیل به قتل رسیده اند، داغدار و وقوع یک فاجعه در زندگیشان است و حفره ای که به سختی پر می شود. با وجود این، ممانعت از اعدام کسی که قاتل و مجرم نامیده می شود، نشانه ی نفرت همین انسان های داغدار از اعدام است. نشانه این است انسانیت که عروج کند، اجازه ی هیچ قتل عمدی را به نام اعدام، به قانون و شرع و دادگاه های دولت نمی دهد. و این را مردم انساندوست و مخالف اعدام در پای چوبه های دار با باز کردن طناب از گردن محکومین، نشان دادند. در این صحنه ها پدران و مادرانی همدیگر را در آغوش کشیدند که عنوان مادران "قاتل و مقتول" را بر پیشانی داشتند.

اگر کمی به عقب تر برگردیم و به موضع و بیان کسانی که خواستار لغوگام به گام اعدام شده اند نگاهی بیندازیم، در می یابیم که این حرکت چگونه در مدت زمان کوتاهی محدودیت و عقب ماندگی خود را نشان داد. نشان داد که طرح مساله ی لغو گام به گام اعدام، چقدر از جامعه عقب و به آن نامربوط است. کسانی با توجیهاات لیبرالی از قبیل، "حالا زود است" و ترساندن جامعه از گسترش خشونت و اشاره به ۱۰۰ نفری که به تماشای اعدام میایستند و ندیدن آن ۷۵ میلیونی که تماشای نیستند... اکنون با ناباوری شاهد باز کردن طناب از گردن انسانهایی اند که دولت و دستگاه قضایی حکم اعدام شان را صادر کرده است. نفرت از اعدام آنها توسط کسانی که داغ از دست دادن فرزند را بر دل دارند و اعلام این که "من کسی را نمی کشم" یک "نه" بزرگ به اعدام و اعدام کنندگان و گام ها جلوتر از لیبرال های طرفدار لغو گام به گام اعدام اند. ممانعت از اعدام توسط انسان های مخالف اعدام، خط باطلی بر این شعار و حرکت لیبرالی و محافظه کار است.

وقتی پدری می گوید اگر چند فرزند دیگر هم کشته شوند باز رای به اعدام نمی دهم، در حقیقت نفی هر گونه اعدام در عمل و همین امروز است، نه "گام به گام" و "احتیاط کنید" و "حالا زود" است! وقتی پدری می گوید، "من کسی را نمی کشم"، حقانیت این که اعدام قتل عمد است را به جامعه اعلام می کند! این پیام انسانیت به جامعه و به دولت است که اعدام قتل عمد است. پیام "من کسی را نمی کشم!!"

قصاص و انتقام جویی، سیاستی بشدت غیرانسانی و از سر منفعت دولتهایی است که از تعقیب و دستگیری و زندان و شکنجه و اعدام ابایی ندارند. قصاص و انتقام، حقی نیست که گویا جمهوری اسلامی و شریعتش

بهر بهانه ای را کاملاً لغو کند. اعدام قتل عمد است" و "من کسی را نمی کشم"، شعار و پرچم این جنبش است. این قطار راه افتاده است و نمی توان آن را متوقف کرد. مسافرانش میلیون ها انسان کارگر و زحمتکش و زنان و مردان و پیر و جوان جامعه ایران است. اگر فردا کسی از این قطار پیاده شود و از حکم قصاص دستگاه قضایی دولت پیروی کند، بدون شک ان را نباید به حساب صحت تنوری و سیاست گام به گام و امروز یکی را ببخشید و فردا یکی را بکشید، گذاشت. آنچه که تا کنون دیگر داده ی جامعه ی ما است، این است که، نفرت از اعدام، قوانین شرعی و ضد بشری دستگاه قضایی و حکم جنایتکارانه اعدام و قصاص و پیروی از آن را با مشکل و مانع جدی مواجه کرده است. جامعه انساندوست و آزادیخواه اکنون دیگر عملاً با باز کردن طناب با دستان خود از گردن محکومین، حکم لغو اعدام را صادر کرده است.

"من کسی را نمی کشم"  
اعدام قتل عمد است.  
زنده باد بشریت!

نشریه حزب حکمتیست

سر دبیر آذر مدرسی

حکمتیست هفتگی

تماس با سردبیر:

azar.modaresi@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست:

hekmatistparty@gmail.com

www.hekmatist.com

حکمتیست هر دوشنبه منتشر میشود.

حکمتیست را بفایند و آنرا وسیعاً توزیع

کنید.

# زنده باد انقلاب کارگری